



فلسفه در مسیحیت باستان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

حجرات (۴۹)، ۱۳



استید، کریستوفر	سرشناسه
Stead, Christopher	عنوان و نام پدیدآور
: فلسفه در مسیحیت باستان / کریستوفر استید؛ ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی.	مشخصات نشر
: قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.	عنوان اصلی
Philosophy in Christian Antiquity :	مشخصات ظاهری
: ۴۲۰ ص.	فروست
: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۸.	شابک
: ۹-۲۰-۹۳۸۰-۹۶۴-۹۷۸	کتابنامه
: ص. ۳۹۵ - ۴۱۱.	وضعیت فهرست نویسی
: فیبا.	یادداشت
: چاپ سوم، زمستان ۱۴۰۲.	موضوع
: مسیحیت-فلسفه- تاریخ.	موضوع
: مسیحیت- فلسفه.	موضوع
: مسیحیت- عقاید	شناسه افزوده
: دانشگاه ادیان و مذاهب. معاونت پژوهشی.	رده بندی کنگره
: ۸ الف ۱۰۰ / BR	رده بندی دیویی
: ۱۸۹	شماره کتابشناسی ملی
: ۲۶۱۷۴-۸۱	

چاپ سوم

# فلسفه در مسیحیت باستان

کریستوفر استید

عبدالرحیم سلیمانی اردستانی



انشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

معاونت پژوهش

۱۴۰۲



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه‌السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.  
تلفن: ۱۳-۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰، ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱،  
تلفکس مرکز پخش و فروش: ۰۲۵-۳۲۸۰۶۶۵۲  
فروشگاه اینترنتی:

[@Libadyan](#)

[www.Adyanpub.com](http://www.Adyanpub.com)

## فلسفه در مسیحیت باستان

- مؤلف: کریستوفر استید
- مترجم: عبدالرحیم سلیمانی اردستانی
- ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- نوبت چاپ: سوم، زمستان ۱۴۰۲
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- مرجع قیمت: وبسایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۸۰-۲۰-۹

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.



## سخن ناشر

از ویژگی‌های غالب مصر ما گسترش حیرت‌انگیز دامنه ارتباطات است؛ این ارتباطات روزافزون، تعامل و هم‌زیستی ملت‌ها و اقوام مختلف را بیش از هر زمان دیگر ضروری ساخته است. از آن‌جا که اصلی‌ترین مؤلفه فرهنگ و تمدن، دین است، مطالعه و شناخت ادیان و مذاهب اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب به منظور فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای مطالعه و آشنایی جامعه فرهنگی کشور با دیگر ادیان و مذاهب، به تحقیق و ترجمه آثاری در این موضوع پرداخته است.

کتاب حاضر به بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره بیان عقلانی آموزه‌های مسیحیت و یا دفاع از آنها در پنج قرن نخست مسیحی پرداخته است.

این مرکز بر خود لازم می‌داند از مترجم گرانقدر کتاب تشکر و قدردانی کند.

مرکز مطالعات و تحقیقات

ادیان و مذاهب



## فهرست مطالب

۵	سخن ناشر
۹	یادداشت مترجم
۱۳	مقدمه مؤلف
۱۷	بخش اول: پیشینه فلسفی
۱۹	۱. فلسفه از آغاز تا سقراط
۳۵	۲. سقراط و مُثُل افلاطونی
۴۹	۳. فلسفه دوره کمال افلاطون
۶۱	۴. ارسطو
۷۵	۵. اپیکور و رواقیان
۹۵	۶. افلاطونیان میانه و فیلون اسکندرانی
۱۰۹	۷. فلسفه عهد باستان متأخر
۱۲۹	بخش دوم: کاربرد فلسفه در الهیات مسیحی
۱۳۱	۸. مناقشات درباره فلسفه مسیحی

۹. مفهوم یونانی و عبرانی خدا ..... ۱۵۳
۱۰. ادله وجود خدا ..... ۱۷۵
۱۱. خدا موجودی بسیط و تغییرناپذیر ..... ۱۹۱
۱۲. خدا چگونه توصیف می‌شود ..... ۲۱۳
۱۳. لوگوس و روح القدس ..... ۲۳۱
۱۴. وحدت ذات ..... ۲۴۹
۱۵. ذات و اشخاص ..... ۲۶۹
۱۶. خدا و انسان بودن مسیح ..... ۲۹۱
۱۷. دو طبیعت متحد می‌شوند ..... ۳۱۳
- بخش سوم: آگوستین ..... ۳۳۵
۱۸. فلسفه، ایمان و شناخت ..... ۳۳۷
۱۹. آزادی و نیکوکاری ..... ۳۵۳
- پی‌نوشت‌ها ..... ۳۷۵
- کوتاه‌نوشت‌ها ..... ۳۹۳
- کتاب‌نامه ..... ۳۹۵
- واژه‌نامه ..... ۴۱۳
- نمایه ..... ۴۱۵

## یادداشت مترجم

تاریخ اندیشه مسیحی به سه مرحله مهم و اساسی عهد باستان، قرون وسطا و عصر جدید تقسیم می‌شود. پنج قرن اول تاریخ مسیحیت، که بخش متأخر عهد باستان است، دوره شکل‌گیری چارچوب و ساختار اندیشه مسیحی است. در دوره بعد، یعنی قرون وسطا، تبیین این چارچوب و ساختار و دفاع از آن دغدغه اصلی بود. در دوره جدید، یعنی از قرن شانزدهم به بعد، اندیشه مسیحی با مسائل خاص این عصر در چالش بوده است و دست‌کم برخی از جریان‌های مسیحی کوشیده‌اند تا تبیینی از اندیشه‌های مسیحی عرضه کنند که با نیازها و سؤال‌های این عصر هماهنگ باشد. بنابراین، اصول و آموزه‌های بنیادین مسیحی در عهد باستان شکل گرفتند و در دوره‌های بعد، بی‌آن‌که تغییر اساسی‌ای در آنها صورت بگیرد، پذیرفته شدند و این خود از اهمیت و جایگاه ممتاز این دوره از تاریخ مسیحیت حکایت دارد.

در این دوره، دو شاخه مهم علمی در اندیشه مسیحی شکل گرفته‌اند: الهیات نقلی مسیحی، که آموزه‌های مسیحی را بر اساس کتاب مقدس تبیین

می‌کند؛ و الهیات عقلی یا فلسفه مسیحی، که به تبیین عقلانی این آموزه‌ها و دفاع از آنها می‌پردازد. امپراتوری بزرگ روم، که اندیشه‌های بنیادین مسیحی در آن شکل گرفت، در بخش پایانی عهد باستان عرصه برخورد اندیشه‌های دینی و فلسفی مختلفی بوده است. میراث فکری یونان با شاخه‌ها و گرایش‌های مختلف آن، اندیشه دینی یهودی، ادیان شرک‌آلود امپراتوری روم، و سخنان جدید دین نوظهور مسیحیت این منطقه را به محل تضارب آرا تبدیل کرده بودند و در چنین اوضاع و احوالی تأثیر و تأثر اجتناب‌ناپذیر بود.

اندیشه مسیحی، که در این دوره و در چنین جوئی شکل گرفته و با گذر از قرون وسطا بدون تغییر و تحول اساسی به عصر حاضر رسیده، در مسیر شکل‌گیری خود با جریان‌ها، برخوردها و نزاع‌های متعددی روبه‌رو شده است. در این فرآیند، اندیشه‌های زیادی به کفر و ارتداد متهم گشته و افراد زیادی محکوم شده‌اند. این اندیشه، که در خلال پنج قرن و با طی یک سیر تکاملی شکل گرفته و در پایان این دوره شکل نهایی خود را یافته است، بی‌تردید در مسیر خود از جریان‌های مختلف فکری اثر پذیرفته است.

کتاب فلسفه در مسیحیت باستان، که ترجمه‌ای است از *Philosophy in Christian Antiquity*، به بررسی فلسفه مسیحیت در این دوره می‌پردازد. مطالب این کتاب در سه بخش ارائه شده است. در فصل نخست، پیشینه فلسفه مسیحیت بررسی شده است. در این بخش، میراث فلسفه یونان از آغاز تا سقراط، افلاطون، ارسطو، اپیکوریان، رواقیان و نوافلاطونیان، در ارتباط با اندیشه‌های مسیحی مطرح شده است. بخش دوم به بحث درباره کاربرد فلسفه در الهیات مسیحی اختصاص یافته و مسائلی از این قبیل مطرح شده

است: آیا «فلسفه مسیحی» وجود دارد؟ آیا از میان عالمان مسیحی عهد باستان کسی را می‌توان فیلسوف نامید؟ همچنین از مسائل دیگری که به آموزه‌های اساسی مسیحیت ربط دارند، از قبیل مفهوم، وجود، سرشت و صفات خدا، اشخاص تثلیث و روابط بین آنها بحث شده است. بخش سوم کتاب به بررسی اندیشه‌های بزرگ‌ترین شخصیت مسیحی این دوره، یعنی آگوستین قدیس، اختصاص یافته است. کریستوفر استید، نویسنده کتاب، عضو آکادمی انگلستان و استاد افتخاری الهیات در دانشگاه کمبریج است. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: *سرشت الهی* (Oxford, 1977)؛ *جوهر و وهم در میان آباء مسیحی* (Variorum, 1985)؛ *فلسفه و الهیات* (Kohlhammer, 1990).

عهد باستان مسیحی تقریباً با دوره مسیحیت قبل از اسلام منطبق است و بنابراین، کتاب حاضر از جهتی برای فرهنگ ما اهمیتی ویژه دارد. قرآن مجید آموزه‌های اصلی مسیحی از قبیل تثلیث و تجسد را مطرح و درباره آنها داوری کرده است. شناخت شکل نهایی آموزه‌های مسیحی، که کتاب حاضر آنها را از بعد فلسفی بررسی می‌کند، قرآن‌پژوهان و مفسران را یاری می‌دهد که بحث‌های قرآن را در این زمینه بهتر درک کنند.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از استادان معظم جناب آقای دکتر لگنهاوسن، که در این ترجمه حقیر را راهنمایی فرمودند، و جناب آقای دکتر پازوکی، که با مطالعه بخشی از این اثر راهنمایی‌های سودمندی ارائه فرمودند، و جناب آقای حسن قنبری که بخش‌هایی از ترجمه را مقابله کردند و جناب آقای رضا گندمی که متن فارسی را مطالعه کرده، نکات سودمندی را گوشزد کردند، و برادر عزیزم آقای حسین سلیمانی که زحمت ویراستاری این اثر را متقبل شدند، تشکر کنم. همچنین از همه دست‌اندرکاران مرکز

مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، که زمینه ترجمه این اثر را فراهم کرده، در راه انتشار آن کوشیدند، قدردانی می‌کنم. همچنین از همسر گرامی‌ام که در این اثر و آثار قبلی حقیر سهم بسزایی داشته است، تشکر می‌کنم.

عبدالرحیم سلیمانی اردستانی

دی ۱۳۸۰



## مقدمه مؤلف

الهیات مسیحی با عهد جدید آغاز می‌شود. این کتاب نشان می‌دهد که نخستین مسیحیان آماده بودند که متون مقدس را شرح دهند و از ایمان خود به عیسی در مقابل مخالفان یهودی و مشرکان دفاع کنند. اما آنان به زودی دریافتند که باید اعتقادات خود را به شیوه‌ای بیان کنند که برای مشرکان فرهیخته قابل فهم و درک باشد. به موازات رشد این نهضت مسیحی، تعبیر جدیدی از این دین مطرح می‌شد که نیاز به بررسی و تأیید داشت تا حتی‌الامکان از اختلاف و سوء تفاهم اجتناب شود. رشد عمده الهیات مسیحیت نخستین در یک دوره سه‌قرنی، از نیمه قرن دوم تا شورای کالسدون در سال ۴۵۱، یعنی عصر ایرنئوس، اریجن، آتاناسیوس و آگوستین، رخ داد. در این زمان، مکاتب مختلف فلسفی همان منافعی را برای پیروانشان داشتند که ما اکنون از دین انتظار داریم. دین حکومتی متداول غالباً فقط تشریفات بود. آن چیزی که «آیین‌های رمزی» خوانده می‌شد، آرامش و اطمینان را عرضه می‌کرد، اما هیچ تبیینی فراهم نمی‌آورد و مطالبات اندکی

داشت. عابدان می توانستند به میل خود عضو یک، دو یا چندین گروه شوند. یهودیان عمدتاً از جریان اصلی فرهنگ باستانی جدا شده بودند. فیلسوفان بودند که هم سرسپردگی را طلب می کردند و هم طریقه‌ای از زندگی را عرضه می کردند که بر یک دید عقلانی نسبت به جهان و جایگاه انسان در آن مبتنی بود.

بنابراین، مسیحیان رفته رفته دین خود را به صورت یک «فلسفه جدید» عرضه کردند، و بدین سان با مکاتب جاافتاده به بحث و مناقشه پرداختند. در این فرآیند، مسیحیان غالباً از نقادان مشرکشان می آموختند؛ گاهی آنها را اصلاح می کردند و غالباً عقاید ایشان را می گرفتند. آثار این گفت‌وگو در ساختار سنتی الهیات مسیحی باقی ماند؛ ساختاری که از آگوستین گذر کرده، به مدرسی‌ها، و از آن به لوتر و کالوین و شلایرماخر و کارل بارث رسید، و میراث مشترک کلیساهای ارتودوکس، کاتولیک رومی و انگلیکن است.

کتابی که پیش روی شماست، در صدد است تا تأثیر فلسفه را بر اندیشه اولیه مسیحی، و شیوه‌ای را که با آن نویسندگان مسیحی به فلسفه کمک کردند، تبیین کند. من برای سهولت، گزارش مختصری از پیدایش فلسفه در میان یونانیان را در بخش اول گنجانیده‌ام. البته این گزارش را می توان با کتاب‌های متعدد موجز و مفصلی که به این موضوع همیشه جذاب پرداخته‌اند، کنترل و تأیید کرد. این در حالی است که کسانی که اطلاعات کافی در این باره دارند می توانند این بخش را حذف، یا محتملاً مطالعه را از فصل ششم آغاز کنند. از سوی دیگر، بخش دوم با بهره‌گیری از برخی از دستاوردهای مطالعات جدید، که به آسانی در دسترس نیست، و در مواقعی توسعه دادن آنها با تحقیقات جدید، قلمرو جدیدی را می‌گشاید. من در این

کتاب ترجیح داده‌ام که اطلاعات خود را بر طبق موضوع‌ها، و نه مؤلفان، تنظیم کنم. دلیل این امر، همان‌طور که به زودی توضیح خواهم داد، این است که نخستین نویسندگان مسیحی چنان در دانش، مهارت و همدلی‌شان نسبت به فلسفه متفاوت بودند که هیچ‌گونه رشد مداومی از فلسفه مسیحی وجود ندارد تا در کنار رشد شناخته‌شده عقاید و الهیات مسیحی قرار گیرد. در این بخش، من بر عناوین اساسی اعتقادات مسیحی، یعنی وجود و سرشت خود خدا، و اصطلاحات فلسفی‌ای که در بیان آموزه‌های تثلیث و تجسد به کار رفته‌اند، متمرکز شده‌ام.

در بخش سوم به ارائه مختصر خطوط کلی فلسفه آگوستین پرداخته‌ام. مورخان فلسفه می‌توانند به هنگام ضرورت همه نویسندگان اولیه مسیحی را نادیده بگیرند؛ اما آگوستین شخصیتی است که هیچ دانشجویی که عهد باستان متأخر را مطالعه می‌کند، نمی‌تواند از او چشم‌پوشی کند، و هیچ فیلسوفی نباید او را کوچک بشمارد. امیدوارم که بررسی من درباره او تحقیرآمیز به نظر نیاید. فیلسوفان از پندگیری از خطاهای همدیگر لذت می‌برند، و آمادگی کامل دارند که به خطاهای خویش اعتراف کنند؛ این در حالی است که عالمان الهیات، که در قبال جامعه سراسر ستایشگر خویش مسئولیت دارند، و از آنان انتظار می‌رود که حقایق نجات‌بخش را عرضه کنند، اگر خودشان یا شخصیت‌های دارای حجیت و مورد احترام آنان مورد مؤاخذه قرار گیرند، احساس صدمه می‌کنند، و این قابل درک است. آگوستین به عنوان یک فیلسوف در معرض سخت‌ترین نقدها قرار خواهد گرفت. اما بسیار مشکل است که کتابی جامع درباره او بیابیم که به روش‌های فلسفی جدید بوده، بینش‌هایی را که در طی صد سال اخیر به وجود آمده‌اند، به کار گرفته باشد.

چندی قبل کریستوفر کروان تحقیق جالبی انجام داد که تا اندازه‌ای این نیاز را برآورده می‌سازد؛ اما مطالعه اثر او نیز روی هم رفته، به جز برای کسانی که با زبان فیلسوفان متخصص جدید آشنایی دارند، آسان نیست. به گمان من، جای تحقیقی نقادانه، که مختصرتر و آسان‌تر باشد، خالی است.

کتابی که اینک عرضه می‌شود، تجدید نظری است در جلد اول کتاب فلسفه و الهیات، که در سال ۱۹۹۰ در اشتوتگارت به چاپ رسید، و امیدوارم که بهتر از آن شده باشد. از پروفیسور جفری لویید و پروفیسور رووان ویلیامز که بخش‌هایی از دست‌نویس اصلی را مطالعه و پیشنهادهای ارزشمندی ارائه دادند، صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین از دکتر کریستین ویلدبرگ و پروفیسور مارتین ریتر که در ترجمه کمک‌های مفیدی کردند سپاس‌گزاری می‌کنم. پروفیسور پیتر گیگ شرح‌های دوستانه اما زیر و روکننده‌ای را بر یک فصل نگاشتند که من با عجله بازنویسی کردم و این شاید مورد رضایت او نباشد. در نسخه انگلیسی با کمک فراوان دکتر ویلیام هاربوری در باب تحقیقات عهد قدیم و پروفیسور مایکل فرد، که راهنمایی‌های اندیشمندانه و استادانه‌ای درباره فلسفه باستان و نیز درباره آگوستین قدیس ارائه کرد، تجدیدنظر بیشتری صورت گرفت. من باید از پروفیسور گالون مدیک به سبب امانت دادن یک کتاب چاپ‌نشده درباره آگوستین تشکر کنم. امیدوارم از این‌که کلمات آغازین او را قرض گرفته‌ام ناراحت نشود: «من مجبور بودم که فیلسوفان را در راه محبت تو رها کنم» (اعترافات ۳. ۶. ۱۰). اما محبت ما بر محبت خدا به ما مبتنی است؛ و باید بکوشیم تا معتقد شویم که محبت خدا شامل فیلسوفان هم می‌شود.

بخش اول

پیشینه فلسفی



## فلسفه از آغاز تا سقراط

فلسفه را یونانیان ابداع و به جهان عرضه کردند. هرچند آنان در برخی از بخش‌ها از تجربه ملت‌های دیگر استفاده کردند (برای مثال، از اخترشناسی بابلی)، اما فلسفه را به صورت مجموعه گسترده‌ای از تحقیقات بسط دادند که سرآغاز آن چیزی به حساب می‌آید که ما امروزه علم طبیعی می‌نامیم و بعدها در سه بخش منطق، اخلاقیات و طبیعیات خلاصه شد. طبیعیات نامی بود که بر تحقیق درباره جهان طبیعی و مبادی تبیینی آن نهاده شد. سپس در طبیعیات این سؤال مطرح شد که آیا خدایان، یا خدای واحد، موجودند و آیا این جهان مخلوق است و چنین موجودی آن را اداره می‌کند؟ به نظر کسانی که به وجود خدا معتقد بودند، الهیات شاخه‌ای از طبیعیات بود.

فیلسوفان یونان با توانایی خویش در طرح پرسش‌های انتزاعی و

متنوع، زمینه جدیدی را فراهم کردند. پیش از روزگار آنان، بینش متداول عمدتاً در قالب دانش‌های شغلی دریانوردان، کشاورزان و معماران بود، و یا به صورت ضرب‌المثل‌هایی درباره رفتار انسان بیان می‌شد. ولی انسان‌ها برای بسیاری از مسائل عمومی‌تر جهان می‌بایست به اسطوره‌های بدوی، که هر جزء عمده جهان را با موجود الهی خاصی پیوند می‌دادند، متوسل شوند: آسمان‌ها را با زئوس،<sup>۱</sup> دریا را با پوسایدون،<sup>۲</sup> و همین‌طور. فلسفه‌ای که کاملاً از اسطوره‌شناسی متمایز بود، آن‌گاه آغاز شد که حکمای میلئوس،<sup>۳</sup> در آسیای صغیر،<sup>۴</sup> کوشیدند تا جهان را بر حسب اشیای بی‌جانی تبیین کنند که می‌شد رفتار منظمشان را بر طبق چند قانون ساده پیش‌بینی کرد. بدین‌سان، این امکان فراهم شد که به جای آن‌که پدیده‌های غیرعادی را به هوس‌بازی خدایان انسان‌گونه بی‌شمار نسبت دهیم، علت آنها را در ترکیب عوامل شناخته‌شده قبلی جست‌وجو کنیم.

البته روش شناسایی علل طبیعی به یکباره آغاز نشد؛ حکمای نخستین از عناصر و فرآیندهایی که مورد علاقه آنان بود، به گونه‌ای نام می‌بردند که گویا آنها موجودات الهی‌اند. علاوه بر این، باور دیرپای و ماندگارشان این بود که اشیایی مانند آتش یا چشمه، که قادر به حرکت‌اند، به معنایی زنده‌اند و بنابراین، احتمالاً دارای روح‌اند. شاید تالس،<sup>۵</sup> که به صورت سنتی مؤسس فلسفه یونان به حساب می‌آید، به همین دلیل می‌گفت که «همه اشیای پر از خدایان‌اند»؛ و از این رو جایز است که، همراه با ورنر یگر،<sup>۶</sup> از «الهیات نخستین فیلسوفان یونان» سخن بگوییم.

1. Zeus

2. Poseidon

3. Miletus

4. Asia Minor

5. Thales

6. W. Jaeger